

چالش‌های آموزش اخلاق به نوجوانان و راهکارهای برون‌رفت از آن

فاطمه شریفی زارچی^۱

اعظم خلعتی^۲

چکیده

تربیت اخلاقی از بنیادی‌ترین آرمان‌های ادیان الهی برای شکوفایی فردی و اجتماعی است. از چالش‌های برجسته این حوزه، متناسب نبودن سطح آموزش اخلاقی با سطح عملکرد اخلاقی به شمار می‌آید. این پژوهش برای پاسخ به این نیاز و با هدف بررسی چالش‌های آموزش اخلاق به نوجوانان در سه حیطه بستر آموزش، محتوا و روش، و نیز راهکارهای برون‌رفت از آن و با روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. بر اساس دستاوردهای پژوهش، چالش‌ها در این سه حوزه عبارت‌اند از: ۱. بستر آموزش: عدم توجه به هماهنگی خانواده و محیط‌های آموزشی، القانات نامناسب اجتماعی، خطاهای شناختی، عدم توجه به اقتضات زمانی و مکانی و ... ۲. محتوا: ناهماهنگی آن با ظرفیت و اقتضات نوجوانان، محتوای دانش‌افزا و نه عملیاتی‌محور، بی‌توجهی به پیش‌نیازها، عدم توجه به اصل تدریج و ... ۳. روش: استفاده از روش‌های غیرفعال، تأکید بر ارتقای شناختی، به کار نرفتن روش‌های متنوع و خلاق، شرکت ندادن نوجوانان در فرایند آموزش، عدم انعطاف در شیوه‌ها متناسب با شرایط و ... این پژوهش برای برون‌رفت از این آسیب‌ها، هماهنگ کردن مراکز آموزشی، فضاسازی اجتماعی، تدوین برنامه منظم و منسجم در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری، استفاده از روش‌های فعال، توجه به اقتضات زمانی و مکانی نوجوانان، به‌کارگیری فناوری نوین و ... را پیشنهاد داده است.

واژه‌های کلیدی: آموزش اخلاقی، نوجوان، چالش، راهکار

۱. دکتری روان‌شناسی، عضو گروه روان‌شناسی مجتمع آموزش عالی بنت الهدی وابسته به جامعة المصطفی ﷺ

fatemehsharifi61@yahoo.com

۲. سطح سه تعلیم و تربیت، عضو گروه علوم تربیت مجتمع آموزش عالی بنت الهدی وابسته به جامعة المصطفی ﷺ

Azam Khalati@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۵ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۱/۱۲

مقدمه

از اهداف مهم و اساسی ادیان آسمانی، تکامل و رشد معنوی انسان است. شریعت مقدس اسلام با بعثت حضرت محمد ﷺ بدین امر تأکید کرد و ایشان را به تزکیه و تعلیم امر نمود و چنین فرمود: «به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را برایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد؛ قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند»^۱.

ارتقای اخلاقی افراد، بسترساز تعالی، بهزیستی و امنیت فردی و اجتماعی است و در این راستا، آموزش اخلاق بخش مهمی از اهداف نظام‌های تربیتی جوامع را دربرمی‌گیرد؛ زیرا این نظام‌ها به منزله بخشی اساسی از کار خود، در پی آن‌اند که فرهنگ و ارزش‌های آن را به نسل آینده انتقال دهند (خسروی و باقری، ۱۳۸۷، ص ۸۱). در این میان، دوره نوجوانی اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا آن‌گونه که پژوهش‌ها نشان می‌دهد، دوره نوجوانی یکی از دوره‌های مهم برای تحول اخلاقی است (بلیسی، ۲۰۰۴، ص ۴؛ هارت اتکینس و فرد، ۱۹۹۸، ص ۵۱۳). این دوره ویژگی‌ها و تحولات خاصی دارد که می‌تواند هم به صورت فرصتی برای تعالی و شکوفایی نوجوان باشد و هم در صورت عدم مدیریت بهینه آن، تهدیدهایی را برای خود نوجوان و جامعه پدید آورد. در دوره نوجوانی دستیابی به تفکر انتزاعی، آرمان‌خواهی، عیب‌جو تر شدن، خودآگاهی، بهبود خودگردانی، وقت‌گذاری بیشتر با همسالان، تنوع‌طلبی، استقلال‌خواهی و هویت‌یابی (لورابگ، ۱۳۸۶، ص ۴۳۹) می‌تواند بستر لازم را برای تحول اخلاقی نوجوانان فراهم سازد. کارآمدی روش‌های آموزش اخلاق و تناسب آن با ویژگی‌های این دوره، نقش بسزایی در تسهیل این فرایند بر عهده دارد؛ در مقابل، عدم کارایی روش‌ها به دلیل ویژگی‌های تحولی این دوره، از قبیل تنوع‌خواهی و استقلال‌طلبی نوجوان، می‌تواند دزدگی و دوری جستن را در او پدید آورد. بنابراین، آنچه در این میان اهمیت بیشتری دارد، این است که: چگونه می‌توان ارزش‌های اخلاقی مد نظر را در نوجوان درونی ساخت، در این عرصه با چه چالش‌هایی روبه‌رو هستیم و روش‌های کارآمد در این زمینه چیست؟

۱. «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (آل عمران، ۱۶۴).

2. Blasi

3. Hart, Atkins & Ford

برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، پژوهش‌هایی صورت گرفته است. برای نمونه، پژوهش فرید و همکاران (۱۳۸۹، ص ۹۱) نشان داد روش آموزش شناختی، بیشترین تأثیر را در ارتقای سطح قضاوت اخلاقی در نوجوانان دارد. در مرتبه دوم، روش آموزش مستقیم نیز تأثیر معناداری بر بالا بردن سطح قضاوت اخلاقی داشته و در نهایت، روش تلفیقی نیز اثرگذار بوده است. همچنین پژوهش مرعشی، صفایی و خزامی (۱۳۸۹، ص ۸۳) که با هدف «بررسی تأثیر اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان به روش اجتماع‌پژوهشی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی» انجام گرفت، مؤید آن است که اجرای آموزش فلسفه به کودکان به روش اجتماع‌پژوهشی، بر رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی تأثیر مثبتی داشته است. جهانی (۱۳۸۶، ص ۵۶-۵۷) معتقد است می‌توان از طریق رشد مهارت‌های پرورشی، به پرورش منش‌های اخلاقی دانش‌آموزان کمک کرد. پژوهش حاضر در امتداد پژوهش‌های پیشین، با هدف بررسی چالش‌های آموزش اخلاق به نوجوانان و راهکارهای برون‌رفت از آن انجام می‌شود. این نوشتار می‌کوشد به این دو پرسش پاسخ دهد: ۱. چالش‌های آموزش اخلاق به نوجوانان در حیطه بسترها، روش و محتوای آموزش چیست؟ ۲. راهکارهای برون‌رفت از آسیب‌ها در حیطه بستر، روش و محتوای آموزش کدام است؟

روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و برای گردآوری داده‌ها از روش «سندکاوی» استفاده شده است. بر این اساس، منابع دینی، کتب، مدارک، اسناد، پایگاه‌ها و پژوهش‌های میدانی و توصیفی در حیطه تعلیم و تربیت مطالعه و فیش‌برداری شده است. با بررسی‌های صورت گرفته، نتایج پژوهش، چالش‌ها را در سه حیطه بسترها، روش و محتوای آموزش توصیف می‌کند؛ همچنین با بررسی تحلیلی منابع دینی و پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه، راهکارهای برون‌رفت از این آسیب‌ها در سه بخش تنظیم می‌گردد.

چالش‌های آموزش اخلاق به نوجوانان

الف. حیطه بسترهای آموزش

از مسائل مهم در تربیت، توجه به بسترها و زمینه‌هایی است که آدمی در آن پرورش می‌یابد. منظور از بستر تربیت، هر آن چیزی است که در روح و روان و رفتار فرد اثر می‌گذارد که شامل افراد (گفتار،

کردار و افکار)، محیط و ابزار انتقال فرهنگ است (دیلیمی و آذربایجانی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۲). در این بخش به عواملی که بسترساز آسیب‌های اخلاقی نوجوانان است و نیز راهکارهای مقابله با آن خواهیم پرداخت.

۱. چالش‌های مرتبط با بسترهای آموزش

با توجه به اهمیت بسترسازی در آموزش اخلاق و در راستای بهینه‌سازی فرایند آموزش، در ادامه با هدف آشنایی با مسائل موجود در این حیطه و تعمیق شناخت و ارائه راهکار مناسب برای برطرف‌سازی آنها، چالش‌های موجود در حیطه بسترهای آموزش اخلاق به نوجوانان ارائه خواهد شد.

۱-۱. ناهماهنگی گفتار و رفتار در مربی

در آموزه‌های اسلامی، عمل به آموخته‌ها بسیار اهمیت دارد. خداوند متعال در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «آیا مردم را به نیکوکاری فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید، در حالی که شما کتاب می‌خوانید؛ آیا نمی‌فهمید؟»^۱ این مسئله درباره مخاطب نوجوان اهمیت دوچندان می‌یابد؛ زیرا در دوره نوجوانی آرمان‌خواهی نوجوان و توجه به وضعیت ایدئال (لورا برگ، ۱۳۸۶، ص ۷۵)، توجه نوجوان را به تضادهای گفتار و عمل مربی بیشتر جلب می‌کند و دلزدگی از مربی و احساس بدبینی به او را در وی پدید می‌آورد و این مسئله، روند آموزش را با اختلال جدی مواجه می‌سازد. اسلام خانواده را اولین و مهم‌ترین بستر اثرگذاری گفتار و رفتار در افراد دانسته، عدم هماهنگی آنان را در سخن و عمل، منشأ برخی انحرافات می‌داند. والدین نخستین کسانی هستند که فرزندان در تمامی مسائل، آنان را برای خود الگو قرار می‌دهند؛ از این رو، اگر ایشان به آنچه می‌گویند ایمان نداشته باشند، مسلماً در اعتماد و عواطفشان به آنان تأثیر منفی داشته، این بی‌اعتمادی به دیگران نیز سرایت خواهد کرد. همچنین پس از والدین، معلم جذاب‌ترین و بانفوذترین افراد نزد جوان و نوجوان است. رابطه دانش‌آموز با معلم، رابطه‌ای باطنی و معنوی است. معلم با روح و جان دانش‌آموز سرو کار دارد و به همین دلیل به عنوان الگویی محبوب و مطاع پذیرفته می‌شود (امینی، ۱۳۷۱، ص ۳۷). انسانی که می‌خواهد از نقص به سوی کمال حرکت کند، به الگویی زنده و نمونه‌ای کامل نیاز دارد تا بتواند عملاً نیز معیار نقص و کمال را مشاهده کند و نقاط ضعف خود را

۱. «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره، ۴۴).

دریابد و این مسئله می‌تواند برای نوجوان که تمایل کمتری به نصیحت و آموزش مستقیم دارد، مفید و در درک اخلاقی سودمند باشد.

۱-۲. ناهماهنگی فضاهای اجتماعی با باورهای اخلاقی

از دیگر بسترهای آسیب‌زای اخلاقی، فضاهای متفاوت اجتماعی با باورهای اخلاقی است؛ از جمله خانواده یا مدارس که مسئولان، مربیان و کارمندان به‌رغم جایگاه تربیتی، به آموزه‌های اخلاقی کم‌توجهی می‌کنند. همچنین انحرافات اخلاقی برخی دانش‌آموزان و مثبت جلوه دادن آن (مانند اینکه تقلب نماد زرنگی است)، فهم معیوب آنان از اخلاق، بی‌توجهی به مسائل اخلاقی و تضاد میان کنش و گویش مربیان، فرایند درونی‌سازی اخلاقی را در نوجوان با مخاطراتی مواجه می‌سازد (ساجدی، ۱۳۸۶، ص ۲۹۰).

از سویی نهادهای اجتماعی مانند مدرسه، مسجد، همسایگان و محافل دوستانه و خانوادگی، مکان‌هایی است که همواره نوجوان را به اخلاق دینی نزدیک یا از آن دور می‌کند. مشاهده تناقض میان القائات محیطی و دستورات اخلاقی، به دلیل توانایی درک و تحلیل این تناقضات متناسب با سطح تفکر انتزاعی نوجوان، ممکن است به تضعیف باورهای اخلاقی و کاهش اعتقاد به اهمیت اخلاق در پیشرفت فردی و اجتماعی در او بینجامد.

۱-۳. ناهماهنگی چارچوب خانواده و دوستان با محیط آموزشی

محیط آموزشی از عوامل مهم تربیت اخلاقی نوجوان است. گاه در محیط آموزشی مربی بسیار بر باورهای دینی و اخلاقی نوجوان اثر می‌گذارد؛ ولی چون محیط منزل عاری از این باورهاست، موجب تعارض درونی او می‌شود. البته این والدین هستند که باید با مدرسه هماهنگ شوند؛ زیرا التزام به ارزش‌ها و موازین اسلامی برای سلامت جسم و بهداشت روان فرزندان ضروری است (باهنر، ۱۳۸۷، ص ۲۱۳).

ضعف والدین در اعتقادات و انجام فرایض، و نیز بی‌توجهی به درآمد و غذای حلال، تأثیر فراوانی در ساختار شخصیتی نوجوان دارد. همچنین رهاسازی فرزند در امیال و گرایش‌های نامناسب یا وجود فرزندان بزرگ‌تر ناصالح یا اقوام و معاشران دین‌گریز، در باورهای او شک و تردید ایجاد می‌کند. همچنین والدینی که برنامه مناسبی برای پر کردن اوقات فراغت در منزل ندارند، به دلیل

دور کردن نوجوان از شکل‌گیری عادت پسندیده اخلاقی، فرایند رشد اخلاقی نوجوان را با مخاطراتی مواجه می‌سازند (اکبری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴).

۴-۱. اخلاق؛ درس کلاسی، نه درس زندگی

از مسائل مهمی که به تربیت اخلاقی نوجوان آسیب وارد می‌کند، محدود بودن دروس اخلاق به کلاس درس است. مسئله مهم در دروس اخلاق آن است که نوجوان اصول اخلاقی را درک نماید، گرایش‌های اخلاقی فطری‌اش شکوفا شود و عواطف او با این مفاهیم پیوند یابد و معلم انگیزه‌بخشی لازم را ارائه نماید و این دانش و گرایش در عملکرد او در عرصه‌های گوناگون زندگی پدیدار شود؛ به عبارت دیگر، هدف از درس اخلاق، نه تنها ایجاد بینش و درک اخلاقی، بلکه تحول در احساسات فرد است تا به تدریج رفتار او اصلاح گردد. قرآن کریم به این امر اشاره دارد و می‌فرماید: «مؤمنان، تنها کسانی هستند که هر گاه نام خدا برده شود، دل‌هایشان ترسان می‌گردد و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می‌شود، ایمانشان فزون‌تر می‌گردد و تنها بر پروردگارشان توکل دارند».^۱

با توجه به اینکه دوره نوجوانی دوره هویت‌یابی است و خود نوجوان نیز به دنبال کشف ارزش‌ها و تعهد یافتن به آنها و پیاده‌سازی آنها در زندگی است، این مسئله، فرصت مغتنمی را در اختیار مربیان قرار می‌دهد (بیابانگرد، ۱۳۸۴، ص ۲۳۵-۲۳۶).

۲. راهکارهای برون‌رفت از چالش‌های آموزش اخلاق به نوجوانان در حیطه بسترسازی

چنان که گذشت، با توجه به وجود برخی آسیب‌ها در بسترسازی، برای آموزش اخلاق باید به مؤلفه‌هایی توجه کرد که زمینه مساعد آموزش را فراهم می‌سازند. همچنین مقدماتی را باید مد نظر قرار داد که کارآمدی و نتیجه‌بخش بودن آموزش را تضمین می‌کنند. در ادامه به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم.

۲-۱. توجه به اخلاق محوری در ساختارهای اجتماعی مرتبط با نوجوان

یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم که باید مورد توجه قرار گیرد، ساختار اجتماعی زندگی فرد است که

۱. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (انفال، ۲).

همسایگان، محیط آموزشی و خانواده را دربرمی‌گیرد. البته افزون بر ساختار اجتماعی، ساختارهای مذهبی، سازمان‌ها یا مراکز فرهنگی و رسانه نیز در این زمینه اثرگذارند (هارت و اتکینس،^۱ ۱۹۹۹م، ص ۸۷). کازینسکی و ناوارا^۲ (۲۰۱۴م، ص ۳۳۰-۳۲۸) شواهدی ارائه داده‌اند که فرهنگ بر تحول اخلاقی اثر می‌گذارد. همچنین برکویتز و گریچ (۱۹۹۸م) خانواده را اولین روایتگران فرهنگ می‌دانند. غالب رویکردها در بین عوامل گوناگون اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای برای خانواده به عنوان اولین مرجع اجتماعی در تحول اخلاقی قائل هستند (جان‌بزرگی و همکاران، ۱۳۸۷).

۲-۲. توجه به ویژگی‌های فرااخلاقی مرتبط با کنش‌وری اخلاقی

منظور از ویژگی‌های فرااخلاقی، ویژگی‌هایی هستند که در چارچوب اخلاق قرار نمی‌گیرند؛ ولی با ویژگی‌های اخلاقی همراه هستند. این ویژگی‌ها برای کنش‌وری اخلاقی لازم‌اند؛ اما ذاتاً ماهیت اخلاقی ندارند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از (جان‌بزرگی و همکاران، ۱۳۸۷):

- ۲-۲-۱. **جهت‌گیری اجتماعی:**^۳ رفتار اخلاقی از علاقه و توجه فرد به دیگران سرچشمه می‌گیرد.
- ۲-۲-۲. **خودمهارگری:**^۴ به عنوان توانایی پیروی از درخواست، تعدیل رفتار مطابق با موقعیت، به تأخیر انداختن ارضای یک خواسته و به طور کلی رفتار در چارچوب قابل قبول اجتماعی، بدون مداخله آموزشی و هدایت مستقیم فردی دیگر تعریف شده است.
- ۲-۲-۳. **مطیع بودن:**^۵ بخشی از ماهیت اخلاق، پیروی از معیارهای بیرونی گزینش شده است. فرد اخلاقی در نهایت باید بیاموزد که ملاک‌های بیرونی رفتار را درونی‌سازی کند.
- ۲-۲-۴. **حرمت خود:**^۶ ارزشیابی کلی فرد درباره فضایل و قابلیت‌های خود، ارزش‌ها، اجزای بدن و پاسخ‌های دیگران به فرد است. حرمت، خود یکی از مؤلفه‌های برانگیزاننده بنیادین رفتار است. افرادی که حرمت نفس بالاتری دارند، از قضاوت خود پیروی می‌کنند، در برابر فشار همسالان

1. Hart & Atkins

2. Kuczynski & Navara

3. Social orientation

4. Self-control

5. Compliance

6. Self-esteem

مقاومت بیشتری می نمایند و با دیگران به شیوه مثبت تری رفتار می کنند (اسکات، ۲۰۰۴م؛ به نقل از جان بزرگی و همکاران، ۱۳۸۷).

۲-۳. ایجاد فضای عاطفی مناسب

والدینی که الگوی اخلاقی مناسبی برای فرزندان نشان هستند، رابطه صمیمانه ای با نوجوان برقرار می کنند، درباره ارزش ها و اعتقادات اخلاقی با آنها سخن می گویند، از فرزندان شان انتظار بیشتری در خصوص رفتار اخلاقی دارند و در موضوعات اخلاقی، استدلال ها و پرسش های اخلاقی مناسبی را با آنها مطرح می کنند و فرزندانی با وجدان قوی تر دارند (لورا برگ، ۱۳۸۶، ص ۷۴)؛ در مقابل، والدین بی احساس و تهدیدکننده، فرزندانی را که از بلوغ اخلاقی برخوردار باشند، به بار نمی آورند. همچنین شیوه های والدگری که بر روش های تنبیهی، از قبیل کتک زدن متکی است، فرزندانی تربیت می کند که غالباً بدرفتار بوده، به ندرت از احساس گناه، ندامت، شرم یا انتقاد از خود برخوردار هستند. این در حالی است که ابراز محبت والدین با برخی رفتارهای اخلاقی عمده، از قبیل امداد رسانی به دیگران یا داوری اخلاقی درباره دیگران همبسته است (کریم زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۷).

۲-۴. توجه به اقتضائات زمانی، مکانی و شرایط

گاهی سخن و کلامی بسیار پرمعنا و آموزنده، در شرایط زمانی و مکانی ای بیان می شود که به دلیل عدم تناسب با آن شرایط و عدم آمادگی شنونده، تأثیر چندانی در پی ندارد. از سویی آموزش اخلاق محدود به کلاس درس نیست؛ بلکه درس زندگی است و اولیا و مربیان باید همیشه مترصد فرصت های مناسب و متوجه آمادگی نوجوانان باشند تا آموزش اخلاق بیشترین اثرگذاری را داشته باشد. مربی آگاه و مسئول سعی می کند با زندگی اجتماعی متربی آشنا شود و به نیازهایشان پی ببرد تا بتواند اخلاق را با زندگی روزمره پیوند دهد. اصولاً زمانی متربی مشتاق درس و کلاس می شود که فایده ای عملی برایش داشته باشد.

۲-۵. تقویت دین داری

تحقیقات نشان داده اند باورهای مذهبی، هم در نحوه تفکر فرد درباره هستی، هم در احساسات و عواطف او درباره خود و دیگران، و هم در رفتار او در برخورد با مسائلی که با آنها رو به روست و

تحول تعهد اخلاقی، تأثیری انکارناپذیر دارد (میلر، ۲۰۱۴، ص ۳۹۶؛ بشلیده و همکاران، ۲۰۱۱، ص ۸؛ دهستانی، محمدی زاده و محمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۱). دین داری ضمانت اجرایی برای پایبندی اخلاقی فراهم می سازد. همچنین اهتمام دین به مباحث اخلاقی و آیات و روایات متعدد که درباره آثار، ابعاد و مؤلفه های اخلاقی است، مشوق پیروان خود در پایبندی اخلاقی به شمار می آید.

۲-۶. توجه به توانایی درک و فهم

یکی از بسترهای زمینه ساز در آموزش اخلاق، توجه به توان و طاقت متربی است. باید دانست نوجوانان از نظر عاطفی و اخلاقی در چه سطحی قرار دارند و در چه مرحله ای از رشد اخلاقی و عاطفی به سر می برند تا آموزش ها متناسب با همان مرحله به آنان ارائه گردد؛ در غیر این صورت، ممکن است مربیان آنان را با سخنانی که حتی معنای تحت اللفظی آن را نمی دانند و درک درستی از آنها ندارند، تحت پند و اندرزهای اخلاقی قرار دهند و در مقابل انتظار داشته باشند آنان همه مسائل را درک و اجرا کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۰). در قرآن کریم این مسئله مورد تأکید قرار گرفته و به آن اشاره شده است: «و چون بالیدن گرفت (به سن جوانی و بلوغ رسید)، حکمت و دانشش ارزانی داشتیم و نیکوکاران را بدین سان پاداش می دهیم»^۱.

ب. روش های ارائه آموزش اخلاق به نوجوانان

یکی از عوامل مؤثر در ارتقای کیفیت یادگیری، روش های کارآمد ارائه آموزش است. از سویی دوره نوجوانی، شرایط و اقتضائات خاصی را به همراه دارد؛ از جمله تغییرات شناختی و دستیابی به تفکر انتزاعی، تحول در درک دیگران و رشد همدلی، آرمان گرایی، هویت یابی، استقلال خواهی، مقاومت در برابر اوامر مستقیم والدین و مربیان و ... (علی اکبری، ۱۳۹۵، ص ۱۸۲-۱۹۸). این ویژگی ها نیازمند مذاقه در انتخاب روش های کارآمد و متناسب با خصوصیات این دوره تحولی است. عدم به کارگیری روش های جذاب، متناسب با مخاطب و متنوع، نه تنها انتقال پیام را از سوی مربی دچار خدشه می کند؛ بلکه ممکن است به ایجاد دلزدگی و بی علاقی در نوجوان بینجامد.

۱. «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (یوسف، ۲۲).

۱. چالش‌های مرتبط با روش‌های ارائه آموزش اخلاق به نوجوانان

با توجه به اهمیت روش‌های ارائه آموزش اخلاق و البته توجه به ویژگی‌های دوره نوجوانی، در ادامه به برخی از چالش‌های این حوزه اشاره می‌کنیم.

۱-۱. عدم استفاده از قالب‌های مختلف آموزشی

استفاده از شیوه‌های یکنواخت و تکراری، موجب بی‌انگیزگی، خستگی و دلزدگی متربی می‌شود؛ به‌ویژه اگر مربی نیز فردی جذاب و دلپذیر نباشد. دروس اخلاق نیز از این امر مستثنی نیست. با نگاهی به قرآن کریم می‌توان به راحتی تنوع در آموزش مطالب را به دست آورد؛ ترکیبی از عقل و احساس، بیان برهان‌های مختلف مانند برهان نظم و بیان احساساتی چون ابراز نیاز عارفانه حضرت ابراهیم علیه السلام به خداوند متعال که فرمود: «بگو در حقیقت نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا، پروردگار جهانیان است»^۱.

یکی از راه‌های بارور ساختن اشتیاق ذاتی برای پدید آوردن و ابداع، پرورش نیروی تخیل است. کلاس‌های خشک، رسمی و عاری از شیوه‌ها و قالب‌های متنوع آموزشی، که تنها به تبیین مفاهیم اخلاقی می‌پردازد و به پرورش عواطف اخلاقی و عملکرد اخلاقی توجه ندارد، موجب انزجار و بی‌علاقگی در یادگیری می‌شود؛ به خصوص استفاده همیشگی از شیوه سخنرانی، فرایند آموزش را مختل می‌سازد؛ چراکه نوجوانان در برابر دستورات آمرانه و خطابی از خود مقاومت نشان می‌دهند (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص ۷). متربیان معمولاً به حکایات، داستان‌ها و تمثیلات علاقه‌مندند و بهره‌گیری از آنها، سرعت یادگیری‌شان را افزایش می‌دهد؛ چنان‌که در ادبیات، گذشتگان کتبی مانند بوستان و گلستان را برای مخاطبان تدوین می‌کردند تا مسائل اخلاقی را از این طریق به آنان انتقال دهند.

۱-۲. عدم مشارکت جمعی

مدرسه جایی است که در آن باید میان گروه‌ها تفاهم ایجاد نمود، اختلافات را تقلیل داد، افکار و عقاید گروهی را مبادله کرد و وحدتی را که لازمه ادامه حیات جمعی است، در دانش‌آموزان پدید آورد. تحقیقات نشان می‌دهد نوجوانانی که در محیط آموزشی با مسائل اجتماعی که از روابط

۱. «قُلْ إِنْ صَلَّيْتُ وَنُسَكِي وَمَخَيَّي وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام، ۱۶۲).

فردی فراتر رفته است و گروه‌های اجتماعی و سیاسی گوناگون را دربرمی‌گیرد، آشنا می‌شوند و در آن به بحث و تبادل نظر می‌پردازند، در خصوص تنوع اجتماعی آگاه‌تر می‌شوند و در سطح استدلال اخلاقی پیشرفته‌ترند (ماسون و گیبز، ۱۹۹۳م؛ به نقل از لورا برگ، ۱۳۸۶، ص ۷۵).

در انتقال مفاهیم اخلاقی استفاده از گروه‌های جمعی، به ویژه گروه همسالان بسیار اثرگذار است (بلات^۱ و کلبرگ، ۱۹۷۵م؛ به نقل از کدیور، ۱۳۸۶، ص ۹۶)؛ زیرا در این شیوه، انگیزه‌مندی بسیار افزایش می‌یابد. همچنین در مشارکت گروهی نه تنها نوجوان به کار گروهی عادت می‌کند و بسیاری از مفاهیم اخلاقی، مانند نظم و انضباط، راستگویی، مهربانی و انصاف را می‌آموزد؛ بلکه باید دیدگاه‌های دیگران را - گرچه مخالف نظر خودش باشد - بشنود و به آن توجه کند تا عادت به تحمل نظر مخالف در او تقویت گردد (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۴).

۱-۳. انعطاف نداشتن در شیوه‌ها

از مهم‌ترین بخش‌های برنامه، نحوه اجرای آن است. هر برنامه‌ای هرچند بسیار عالی طراحی شده باشد، اگر خوب ارائه نشود، موجب هدررفت سرمایه می‌شود و به شکست خواهد انجامید. نظام آموزشی و به ویژه تربیتی اگر تک‌شیوه‌ای عمل کند، مسلماً به روزمرگی دچار خواهد شد. با توجه به اینکه در سنین نوجوانی قابلیت تفکر انتزاعی شکل می‌گیرد و نوجوانان می‌توانند دنیای آرمانی و فرض‌های محتمل گوناگون را در نظر بگیرند و از سویی، تنوع‌طلبی یکی از ویژگی‌های مهم روانی نوجوان است، توجه به تنوع و استفاده از قالب‌های جذاب و متنوع، به دیدگاه آرمانی نوجوان نزدیک‌تر است و مطالب ارائه‌شده بیشتر پذیرفته خواهد شد (علی‌اکبری، ۱۳۹۵، ص ۱۸۵-۱۹۸). بنابراین، بر مبنای لازم و ضروری است تا از آخرین و به‌روزترین روش‌های کارآمد اطلاع یابد و آنها را در کلاس‌های اخلاق به کار گیرد.

۱-۴. عدم اقدام گام به گام و ایجاد عادت

دستیابی به تفکر انتزاعی در دوره نوجوانی، زمینه آرمان‌گرایی و خودآگاه‌تر و احتمالاً خودعیب‌جوتر شدن نوجوان را فراهم می‌آورد و از سویی، ممکن است آنان توانایی خود را به طور غیرواقع‌بینانه

1. Blatt

ارزیابی کنند و به دنبال تغییرات مثبت، با شور و اشتیاق فراوان و بدون در نظر گرفتن شرایط واقعی عمل نمایند. این مسئله به دلیل عدم توجه به داشتن برنامه گام به گام برای تغییر مطلوب و اقدامات شتابزده و توجه به خواست نوجوان مبنی بر تغییرات آرمان خواهانه کوتاه مدت، به افراط و تفریط و گاهی دلزدگی از عدم دستیابی به نتیجه می انجامد.

۵-۱. استفاده نکردن از روش غیرمستقیم

در تربیت اخلاقی می توان از روش های مستقیم و غیرمستقیم بهره جست و به کارگیری هر دو روش در جایگاه خود لازم و ضروری است؛ اما به نظر می رسد با مخاطب نوجوان با توجه به روحیه استقلال طلبی و دوری جستن از تذکر و نصیحت مستقیم (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص ۷)، روش غیرمستقیم جایگاه ویژه ای دارد؛ زیرا نه تنها آثار مفید و مثبت دارد؛ بلکه موجب مقاومت و لجابت در فرد نمی شود و همچنین به عزت نفس او نیز لطمه نمی زند. گاهی تذکر مستقیم، موجب بی اعتباری متخلف می شود و این کار مانع اثرگذاری می گردد (داودی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱). از شیوه های غیرمستقیم می توان به برنامه های هنری، مانند تئاتر، داستان سرایی، شعر، سرود و حتی خط و نقاشی اشاره کرد.

۲. راهکارهای برون رفت از چالش های آموزش اخلاق به نوجوانان در حیطه روش های آموزش

آسیب هایی که در قسمت قبل توضیح داده شد، با روش های آموزش مرتبط بود. در این بخش براساس بررسی های صورت گرفته و بهره مندی از آیات و روایات، به برخی از راهکارهای بهبود روش های آموزش اخلاق می پردازیم.

۱-۲. ایجاد بینش صحیح در نوجوانان

برای نهادینه شدن اخلاق، ابتدا نوجوان باید فهم صحیحی از اصول اخلاقی به دست آورد و بتواند درباره خوب و بد قضاوت درستی داشته باشد و این قضاوت با هسته عمیق شخصیت او پیوند یابد (درون سازی)؛ سپس با توجه به قضاوت درباره اخلاقی بودن یا نبودن امور، براساس تشخیص درست اخلاقی در موقعیت، رفتار اخلاقی را از خود بروز دهد (نمادسازی). به عبارت دیگر، افراد نوعاً هنگام تصمیم گیری ها و نتیجه گیری ها، با در نظر گرفتن ویژگی های هر موقعیت،

ملاحظات مختلفی را می‌سنجند و درجه اهمیت و اولویت آنها را مقایسه می‌کنند و این قضاوت می‌تواند مبنایی برای رفتار اخلاقی باشد (توریل، ۲۰۱۴م، ص ۳۵-۳۶).

تقویت بعد شناختی نوجوانان درباره آموزه‌های اخلاقی، از طریق اصلاح یا تغییر شناخت‌های قبلی از اخلاق، معرفی آن به عنوان هدف از بحث پیامبر اکرم (ص) و راهی برای دستیابی به سعادت واقعی فردی و اجتماعی بر اساس آموزه‌های دینی، معرفی شخصیت‌های کاملی که در پرتوی آموزه‌های اخلاقی به تکامل واقعی دست یافته‌اند، عملیاتی کردن اخلاق در همه ابعاد زندگی، و نیز معرفی عوامل رهن که موجب انحراف می‌شوند، امکان‌پذیر است.

۲-۲. تقویت انگیزه اخلاقی

برای تقویت بعد انگیزشی نوجوانان به اخلاق، می‌توان با استفاده از روش‌های متنوع، جذاب و استفاده از فناوری روز که مورد توجه نوجوانان است، انگیزه و اشتیاق را در ایشان افزایش داد (کدیور، ۱۳۸۶، ص ۲۰۶). همچنین آنها را با آثار ارزنده پایبندی اخلاقی در جنبه‌های فردی و اجتماعی آشنا ساخت تا انگیزه بیشتری برای عملیاتی ساختن آن بیابند و اخلاق را به عنوان هدیه گران‌بهای خداوند به انسان بدانند. همچنین از طریق پیوند دادن اخلاق با نیازهای نوجوانان و معرفی آن به عنوان منبع اصیل پاسخ‌گویی به آن نیازها، انگیزش اخلاقی را در نوجوانان ارتقا داد.

۲-۳. تقویت هیجانات اخلاقی

ظرفیت انسان برای درونی‌سازی اخلاقیات، به بسیاری از جنبه‌های اساسی رشد شناختی و هیجانی بستگی دارد. از جمله ابعاد هیجانی مهم در تحول اخلاق، «همدلی» است. هافمن^۱ (۲۰۰۰م) بر نقش همدلی به عنوان منبع اولیه انگیزش اخلاقی تأکید دارد و این توانایی، نقشی اساسی در زندگی اجتماعی ایفا می‌کند. همدلی ظرفیت بنیادین افراد در تنظیم روابط، حمایت از فعالیت‌های مشترک و انسجام گروهی است (ریف، کتر و ویفرینگ، ۲۰۱۰م، ص ۳۶۶؛ دترت، تروینو و سویتزر، ۲۰۰۸م، ص ۳۷۴). افرادی که از همدلی بالایی برخوردار هستند، در قبال زندگی و احساسات اطرافیان خود،

1. Hoffma

2. Rieffe, Ketelear & Wiefferink

3. Detert, Trevino & Sweitzer

رفتارهای نوع دوستانه و همیارانه نشان می‌دهند (جولیف و فارینگت، ۲۰۰۶م، ص ۶۰۹). پاسخ همدلانه، پاسخی است که دربردارنده بعد عاطفی و بعد شناختی است. اصطلاح همدلی دو مفهوم دارد و به مفهوم پاسخ شناختی (فهم و درک احساس دیگری) یا به مفهوم ارتباط عاطفی با فردی دیگر است (باولک، ۲۰۰۳م). هینز و اوری^۳ (۱۹۷۹م، ص ۵۲۷) همدلی را به توانایی تشخیص و فهم ادراکات و احساسات فرد مقابل و انتقال دقیق این فهم از راه یک پاسخ پذیراگر تعریف کرده‌اند.

۲-۴. به‌کارگیری روش‌های غیرمستقیم

در آموزش اخلاق معمولاً از شیوه‌های مستقیم استفاده می‌شود. با توجه به اینکه گاه استفاده از شیوه‌های مستقیم، دزدگی از اخلاق را در نوجوان پدید می‌آورد، شایسته است شیوه‌های مستقیم با شیوه‌های غیرمستقیم تلفیق گردد. در شیوه‌های غیرمستقیم آموزش و تربیت ارزشی و اخلاقی، ارزش مد نظر، نه به صورت صریح در قالب تدریس معلم و نه به صورت نیمه مستقیم، در جریان بحث و گفت‌وگو درباره ارزشی معین؛ بلکه به صورت غیرمستقیم و بدون آنکه در کانون توجه قرار گیرد، مطرح می‌شود (خسروی و باقری، ۱۳۸۷، ص ۸۸-۱۰۲). این شیوه‌ها بدین قرار است:

۲-۴-۱. روش الگویی با تأکید بر پرورش بعد شناختی

روش الگویی یکی از بهترین روش‌های آموزش غیرمستقیم است. در این روش، معلم مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی را با اعمال، رفتار و شخصیت خود به طور غیرمستقیم به فراگیران آموزش می‌دهد و در آن به جای گفت‌وگو، خود اعمال و رفتار مربی مد نظر است. اگر الگوی رفتاری مناسبی در عملکرد مربیان آشکار شود، خود این امر جنبه آموزشی و تربیتی غیرمستقیمی بر دانش‌آموزان خواهد داشت. البته الگوی مناسب باید شرایطی داشته باشد؛ از جمله آنکه شخصیت معلم باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان، نتیجه و تأثیر فضایل اخلاقی را به طور ملموس در رفتار و کردار معلم، چه در داخل فضای آموزشی و چه در خارج از آن مشاهده نمایند (نریمانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۷۰)؛ چنان که امام صادق (ع) می‌فرماید: «مردم را با رفتار خود به سوی حق راهنمایی کنید، نه

1. Jolliffe & Farrington

2. Bavolek

3. Haynes & Avery

با زبان خویش»^۱. بدین ترتیب، ذهنیت دانش‌آموزان دگرگون خواهد شد و مبنای شناختی مد نظر شکل خواهد گرفت و از سوی دیگر، بر هیجانات و عواطف نوجوانان نیز اثرگذار است.

۲-۴-۲. روش الگوبردازی عملی با تأکید بر پرورش بعد احساسی

آنچه در این روش مد نظر است، آشکار ساختن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در اعمال و رفتارهای مربی، والدین و دیگر متولیان تربیت اخلاقی در جامعه است. این روش از روش‌های مهم درونی‌سازی فضایل اخلاقی است؛ البته در این روش، ارزش‌های اخلاقی باید به صورت واقعی در اعمال و رفتارهای مربی آشکار گردد، نه اینکه به وجود این ارزش‌ها تظاهر شود (استرایک، ۲۰۰۸م، ص ۱۱۸). با توجه به اینکه رفتارهای اخلاقی، تحسین‌برانگیزند، بروز آنها در عملکرد مربی، احساس مثبتی را در دانش‌آموزان پدید می‌آورد و سبب تحول عاطفی آنها به واسطه این رفتارها می‌شود؛ بنابراین، این روش را می‌توان یکی از روش‌های درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی دانست.

۲-۴-۳. روش طرح و اقدام خودجوش دانش‌آموزان در فعالیت اجتماعی با تأکید بر بعد رفتاری

در این روش نوجوانان به طراحی و اقدام دسته‌جمعی در زمینه فعالیت اجتماعی معینی می‌پردازند؛ البته ممکن است مربی در مقام مشاور آنها را راهنمایی کند؛ اما طراحی و اقدام از سوی خود دانش‌آموزان انجام می‌شود. در این روش نحوه رعایت عدالت، همیاری و همکاری در فعالیت و نیز همدلی بین افراد ضمن فعالیت‌ها، از عناصر مهمی هستند که در پرورش ویژگی‌های اخلاقی نقش دارند. از سوی دیگر، طراحی و اجرای فعالیت اجتماعی، مستلزم به‌کارگیری تصمیم و اراده در زمینه تحقق ارزش مد نظر بوده، در نتیجه، زمینه‌ساز انتخاب ارادی رفتار اخلاقی در نوجوانان است. همچنین این روش، زمینه نهادینه شدن فضیلت‌ها را در جامعه فراهم می‌سازد. هنگامی که ارزش‌های اخلاقی در قالب نهادهای اجتماعی ظهور کنند، زمینه بسیار مهمی برای ادامه یافتن ارزش‌های اخلاقی در جامعه فراهم می‌آید.

۲-۵. روش آموزش فعال

روش فعال یکی از روش‌های جدید آموزشی است که خاص آموزش اخلاق نیست؛ ولی کاربرد

۱. «کنونا دعاه الناس باعمالکم و لاتکنونوا دعاه بلسنتکم» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵).

بسیاری در آموزش اخلاق دارد. در روش فعال به نوجوان و تحولات، نیازها و علایق او توجه می‌شود. با توجه به اینکه ریشه‌گرایی به اخلاق، فطری است، به خوبی می‌توان با فعال کردن نوجوانان و پرورش قدرت تفکر و خلاقیت در آنان، به ایشان کمک کرد تا خود نکات اخلاقی را درک کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص ۸) و بدین وسیله، زمینه خودگردانی اخلاقی را در آنها فراهم آورد. تحقیقات نشان داده‌اند قرار گرفتن در موقعیت‌های طبیعی، حل مسائل اجتماعی و اخلاقی و اندیشیدن فعالانه درباره آنها، موجب درونی شدن اخلاق و رشد اخلاقی می‌شود (فرید و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳).

۶-۲. استفاده از تشبیه معقول به محسوس برای تقریب ذهن

قرآن کریم برای عینی و قابل فهم کردن مطالب و آموزه‌ها، از تشبیه معقول به محسوس استفاده می‌کند؛ بنابراین، مربیان نیز در بیان مطالب معقولی که دور از دسترس یا اندیشه متعلمان است، می‌توانند از روش تشبیه بهره‌جویند. قرآن در بیان سخن و کلام طیب و پاک، آن را به درخت پرباری همانند می‌کند که اصل و ریشه آن ثابت بوده، شاخه‌های آن در آسمان قرار گرفته است و همگان از آن بهره می‌برند؛ در حالی که سخن ناپاک و خبیث همانند درختی برآمده از زمین است که ریشه در خاک ندارد و قرارگاهی برای آن نیست تا بر پایه‌های خویش بایستد و دیگران از بر و بار آن بهره‌مند گردند.^۳

۷-۲. بهره‌گیری از داستان سرایی و قصه‌گویی

از جمله روش‌هایی که قرآن کریم برای ترغیب انسان‌ها به دین‌داری و ارشاد و هدایت به صلاح به کار برده، داستان‌گویی است. این شیوه در عین جذابیت و همراه کردن شنونده با خود، زمینه‌ای عاطفی برای قبول اغراض داستان را فراهم می‌کند (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۹). قرآن می‌فرماید: «قصه را بگوی؛ شاید به اندیشه فرو روند».^۴ قصه‌گویی می‌تواند متربی را با خود درگیر کند تا به کشف خود بپردازد و حواسش را بیشتر پرورش دهد و با اسرار زندگی آشنا سازد و تجربه‌های باارزشی از آن برای زندگی آینده خود ذخیره نماید؛ البته در صورت اعتدال در به‌کارگیری آن.

۳. «ألم تر كيف ضرب الله مثلاً كلمة طيبة كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء؛ تؤتي أكلها كل حين بين ربهها و يضرب الله الأمثال للناس لعلهم يتذكرون؛ و مثل كلمة خبيثة كشجرة خبيثة اجتثت من فوق الأرض ما لها من قرار» (ابراهیم، ۴۶).

۴. «فاقصص القصص لعلهم يتفكرون» (اعراف، ۱۷۶).

همچنین باید کاملاً مواظب بود داستان‌ها، مطالب و مفاهیم دینی از بدآموزی و خرافه بودن به دور باشند تا هم از نفوذ واقعیت‌های نادرست در ذهن متربی، و هم از تردیدهای آینده آنان جلوگیری به عمل آورد (باهنر، ۱۳۷۸، ص ۲۰۸).

ج. حیطه محتوای آموزش

یکی از مقوله‌های مهم در آموزش اخلاق، محتوای آموزش است که نقشی محوری در آموزش بر عهده دارد؛ لذا ناکارآمدی محتوای آموزش، به ویژه برای دوره نوجوانی با توجه به حساسیت‌ها و ویژگی‌های خاص این دوره سنی، می‌تواند تأثیراتی منفی در آموزش و پرورش اخلاقی بر جای گذارد.

۱. چالش‌های مرتبط با محتوای آموزش اخلاق به نوجوانان

در کنار چالش‌های موجود در حیطه بسترها و روش‌های آموزش اخلاق به نوجوانان، محتوای نامناسب نیز می‌تواند روند آموزش را با مخاطرات جدی مواجه سازد. در واقع محتوای آموزش، چپستی آموزش را مشخص می‌کند که در ادامه به آسیب‌های مرتبط با محتوای آموزش می‌پردازیم.

۱-۱. محتوای دانش‌افزا و نه عملیاتی‌محور

از آسیب‌های مربوط به محتوا، توجه نامتوازن به حفظیات مسائل نظری در مباحث اخلاقی و بی‌توجهی به شکل‌دهی رفتار اخلاقی است. بی‌توجهی و عدم ارائه کاربردی و عملیاتی اخلاق در زندگی، به فراموشی آموزه‌های نظری اخلاقی نیز می‌انجامد؛ زیرا هر چه آموزش‌ها کاربردی و عملیاتی باشد، بیشتر در ذهن و روح متربی جای می‌گیرد و در تمام مراحل زندگی به مددش می‌آید. با توجه به اینکه دوره نوجوانی، دوره هویت‌یابی است، نوجوان نه تنها در پی کشف ارزش‌ها، بلکه خواستار تعهد یافتن به ارزش‌هاست تا در زندگی خود به صورت عملیاتی آنها را به اجرا درآورد. او باید بتواند آموزه‌های اخلاقی را بدون نیاز به مربی در شرایط گوناگون زندگی خود تطبیق داده، وظیفه اخلاقی‌اش را تشخیص دهد و طبق آن عمل کند (داودی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۲).

۱-۲. عدم آسان‌سازی ارائه محتوا متناسب با دانش نوجوان و کم‌توجهی به فعالیت‌های عملی

دو مؤلفه مهم و مفید که در تربیت همسو با یکدیگر می‌توانند آثار مثبتی در پی داشته باشند،

عبارت‌اند از: توان فکری و توان عملی. در شریعت اسلام و در قرآن کریم به مؤلفه توان فکری در سوره‌های مختلف با واژه «بلوغ اشد» اشاره شده است که بیشتر مفسران آن را رشد و شکوفایی در قوای جسمی و عقلی دانسته‌اند.^۱ در سوره بقره نیز به توان عملی با واژه «وسع»^۲ به معنای سعه در مقابل ضیق اشاره شده است؛ یعنی خداوند در تکالیف بر بندگان سختگیری نمی‌کند و آنها را به زحمت و حرج نمی‌اندازد؛ یعنی خدا تکلیف به غیرمقدور نمی‌کند؛^۳ زیرا قدرت از شرایط عام و شرط حسن الخطاب بوده، تکلیف عاجز عقلاً قبیح است؛ مانند بیمار یا مسافر که در ماه مبارک رمضان روزه بر او واجب نیست.^۴ توان فکری با دو عنصر عینیت و سادگی همراه است. هر قدر عناصر تشکیل دهنده پدیده‌ای، نو، ساده و قابل درک باشد، قدرت پذیرش آن افزایش می‌یابد. این دو عنصر سبب می‌شود اقدام به اجرا، منطقی‌تر و آگاهانه‌تر صورت گیرد (رؤف، ۱۳۸۵، ص ۲۷-۲۸). محتوای پیچیده و مغلق، موجب خستگی و بی‌زاری مرتبی از درس و کلاس می‌شود. زمانی مطالب در ذهن مرتبی نهادینه خواهد شد که فهم آن متناسب با سن مرتبی باشد و در برخی موارد ممکن است دستیابی به تفکر انتزاعی در دوره نوجوانی و خروج آنان از دوره کودکی سبب غفلت از این نکته شود.

۳-۱. ناهماهنگی با نیازها و شبهه‌های نوجوانان

شناخت و معرفت از عوامل مهم در ایجاد یا تقویت باورهای اخلاقی است. گاه محتوای آموزشی بدون توجه به نیازها و شبهه‌های نوجوان در زمینه موضوعات اخلاقی تدوین می‌شود. برای ایجاد دلبستگی و تعهد اخلاقی، باید به نیازها و چالش‌هایی که نوجوانان در زندگی احساس می‌کنند، توجه داشت و بحث‌های اخلاقی به گونه‌ای طرح شود که نوجوان دریابد پابندی اخلاقی پاسخ‌گوی نیازهای اوست (عارفی، ۱۳۹۶، ص ۵۳۶). به رغم میل فطری به عمل اخلاقی، گاهی این شبهه‌ها به گونه‌ای در روح و جان نوجوان نفوذ می‌کند که با توجه به میل به موفقیت، می‌ترسد عمل اخلاقی مانعی برای او در رسیدن به موفقیت شود.

۱. یوسف، ۲۲؛ انعام، ۱۵۲؛ قصص، ۱۴؛ احقاف، ۱۵؛ اسراء، ۳۴ و آیات دیگر.

۲. «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا» (بقره، ۲۸۶).

۳. «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (مانده، ۶).

۴. «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (بقره، ۱۸۵).

با توجه به آسیب‌های نام‌برده، در ادامه می‌کوشیم در حیطه محتوای آموزش، راهکارهایی برای کاهش چالش‌ها ارائه کنیم.

راهکارهای برون‌رفت از چالش‌های آموزش اخلاق به نوجوانان در حیطه محتوای آموزش

محتوای آموزش اخلاق مناسب، ویژگی‌هایی دارد همچون متناسب بودن با سطح درک و فهم مخاطب، تعریف اولویت‌ها و معیارهای آن، گام به گام و عملیاتی بودن، توجه هماهنگ به ابعاد مختلف شناختی، احساسی، رفتاری و ... که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۱. تعریف اولویت‌ها و معیارهای آن

امام علی علیه السلام در نامه به امام حسن علیه السلام می‌نویسد: «در آغاز تصمیم گرفتیم کتاب خدای بزرگ را همراه با تفسیر آیات آن به تو بیاموزم و شریعت اسلام و احکام آن، از حلال و حرام را به تو تعلیم دهم و به چیز دیگر نپردازم» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). توجه به اولویت‌ها در آموزش اخلاق با محوریت قرآن کریم، در تدوین متون آموزش اخلاقی نیز باید سرلوحه قرار گیرد. همچنین امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ای گروه جوانان! آبروی خود را با ادب، و دین خود را با دانش نگه دارید» (قمی، ۱۴۱۶ق، ماده شب)؛ بنابراین، آموزش ادب یکی از اولویت‌ها در فرایند آموزش است.

۲. نیاز آینده و نفع بیشتر

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «نخستین چیزهایی باید که نوجوانان و جوانان بیاموزند، کارهایی است که در بزرگسالی به آن نیاز دارند و باید آنچه را برایشان اصول کمال و سعادت و مفیدتر است، آموزش ببینند» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ق، ج ۲۰؛ به نقل از عارفی، ۱۳۹۶). با توجه به این سخن امیرمؤمنان علیه السلام و نیز کلام نبوی صلی الله علیه و آله که می‌فرماید: «من برای اتمام مکارم اخلاق مبعوث شدم»، به آموزش اخلاقی به عنوان عنصری مهم در تعالی فردی و اجتماعی، باید اهتمامی ویژه داشت و در عین حال محتوای آموزشی، هدف‌گذاری و سیر مباحث آموزشی را به گونه‌ای تنظیم کرد که متناسب با نیازها و شرایط سنی مخاطب و آینده او باشد تا بیشترین منفعت را به او برساند.

۳. گام به گام و عملیاتی بودن

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «بهترین علم آن است که سبب اصلاح عمل تو گردد»؛ بنابراین، محتوای آموزش باید به گونه‌ای طراحی شود که نه تنها دانش اخلاقی را ارتقا دهد؛ بلکه گام به گام فرصت عملیاتی ساختن و باروری رفتاری را برای نوجوان پدید آورد (عارفی، ۱۳۹۶، ص ۴۹۶).

۴. توجه هماهنگ به ابعاد مختلف شناختی، احساسی و رفتاری

برای دستیابی به هدف درونی سازی اخلاقی، لازم است در محتوای آموزش، به هماهنگی ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری آموزش توجه شود تا بتواند همه ابعاد وجودی نوجوان را درگیر فرایند آموزش و اثربخشی آن کند؛ به عبارت دیگر، در محتوای آموزش، باید سه بعد پرورش شناختی، توجه به عواطف اخلاقی و مؤلفه های رفتار اخلاقی را مد نظر قرار داد (خسروی و باقری، ۱۳۸۷، ص ۱۰۴).

نتیجه گیری

یکی از مباحث مهمی که در جوامع انسانی مطرح است و بستر لازم را برای بهزیستی، سلامت و امنیت اجتماعی و روانی فراهم می سازد، پایبندی به اخلاقیات در جامعه است. در جهت درونی سازی اخلاق، به ویژه در دوره نوجوانی، با توجه به چالش هایی که در حیطه آموزش وجود دارد، فرایند تحول اخلاقی با مخاطراتی رو به رو شده است که این چالش ها را در سه محور بستر، روش و محتوای آموزش می توان پیگیری نمود. دین اسلام با توجه به اهتمام خود به تربیت اخلاقی، برای برون رفت از چالش ها و استفاده از روش های کارآمد در پرورش اخلاقی، توصیه هایی نموده است. نتایج پژوهش حاضر با بهره گیری از معارف ناب اسلامی و مرور پژوهش های پیشین، مؤید آن است که بهترین روش برای جذب نوجوانان و متمایل کردن آنها به ارزش های اخلاقی، روشی است که هم عنصر شناخت، هم عنصر عواطف و هم عنصر انگیزش در آن لحاظ شده باشد و افزون بر این، ارتباط با نوجوانان، ارتباطی دوسویه باشد؛ یعنی به آنها اجازه پرسیدن و انتقاد کردن، و نیز فرصت اندیشیدن و برگزیدن داده شود و از تحمیل، تحقیر و تحکم پرهیز گردد (بشیری، ۱۳۸۳، ص ۱۳-۱۴). همچنین محتوای آموزش متناسب با نیازها، اولویت ها و هماهنگی ابعاد سه گانه شناخت، عاطفه و رفتار، تنظیم، و از روش های متنوع و فناوری های جدید و جذاب برای نوجوانان استفاده شود؛ به طوری که با بهره گیری از روش های فعال، با توجه به اقتضائات زمانی و مکانی و آمادگی مخاطب، به تلفیق روش مستقیم و غیرمستقیم پرداخته گردد.

در جامعه ای که ارزش های اخلاقی نهادینه شده باشد، بخش مهمی از تربیت ارزشی شکل می گیرد (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶)؛ زیرا مشارکت فرد را در جامعه به گونه ای زمینه سازی می کند که خود ملازم با درونی شدن ارزش های اخلاقی است. هنگامی که جامعه نهادهای مناسب اخلاقی را یافت، درونی سازی ارزش ها، هم به صورت فردی و هم به صورت اجتماعی رخ خواهد

داد. نهادینه شدن ارزش در جامعه، به معنای درونی شدن ارزش‌ها در سطح اجتماعی است؛ همان‌طور که درونی شدن ارزش‌ها در فرد، به معنای نفوذ ارزش‌ها در مبانی شناختی، گرایشی و ارادی اوست. در حقیقت پرورش اخلاقی کارآمد، نتیجه توجه به پرورش هماهنگ شناختی، هیجانی و رفتاری با در نظر گرفتن مقتضیات محیطی خواهد بود (پسلی و همکاران، ۲۰۰۶م، ص ۲۹۳-۲۹۵).

پیشنهادهای پژوهشی

با توجه به اهمیت روش‌های آموزش و محتوا، پیشنهاد می‌شود مداخلات میدانی براساس نتایج پژوهش طراحی شود و نتایج آن به صورت میدانی مورد پژوهش قرار گیرد. همچنین به صورت میدانی دیدگاه نوجوانان، مربیان و اولیا در خصوص چالش‌هایی که در زمینه آموزش اخلاق با آن مواجه هستند، بررسی گردد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۳. ابراهیمی، احمد (۱۳۸۷)، راهکارهای عملی آموزش اخلاق و مهارت‌های زندگی، قم: بوستان کتاب.
۴. ابن‌ابی‌الحدید (۱۳۸۷ق)، شرح نهج البلاغه، جلد ۲۰، بیروت: دار التراث العربی.
۵. اکبری، محمود (۱۳۸۸)، مذهب‌گرایی و مذهب‌گریزی، قم: فیتیان.
۶. امینی، ابراهیم (۱۳۷۱)، اسلام و تعلیم و تربیت، قم: انجمن اولیاء و مربیان.
۷. باهنر، ناصر (۱۳۷۸)، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۸. بشیری، ابوالقاسم (۱۳۸۳)، «نگاهی روان‌شناختی به آسیب‌شناسی دین‌باوری جوانان»، معرفت، شماره ۸۷.
۹. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۴)، روان‌شناسی نوجوانان، چاپ دهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. جان‌بزرگی، مسعود و ناهید نوری (۱۳۸۷)، آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون‌پذیری به کودکان، تهران: انتشارات ارجمند.
۱۱. جهانی، جعفر (۱۳۸۶)، «بررسی تأثیرات برنامه آموزش فلسفه به کودکان در رشد منش‌های اخلاقی دانش‌آموزان»، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی درسی، شماره ۷.
۱۲. خسروی، زهره و خسرو باقری (۱۳۸۷)، «راهنمای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی از طریق برنامه درسی»، مطالعات برنامه درسی، شماره ۸.
۱۳. داودی، محمد (۱۳۸۹)، تربیت دینی، چاپ ششم، قم: پژوهشگاه همکاری حوزه و دانشگاه.
۱۴. دهستانی، مهدیه و علی محمدی‌زاده و سمیه محمدی (۱۳۹۱)، «بررسی میزان دینداری و ارتباط آن با سبک‌های هویت دانشجویان»، علوم رفتاری، شماره ۶.
۱۵. دیلمی، احمد و مسعود آذریجانی (۱۳۸۹)، اخلاق اسلامی، ویراست دوم، چاپ شصت و ششم، قم: نشر معارف.
۱۶. رؤوف، علی (۱۳۸۵)، سهم معلم شیوه معلم، چاپ سوم، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۷. ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، دین‌گریزی چرا؟ دین‌گرایی چه سان؟، قم: نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۸. عارفی، محمدیونس (۱۳۹۶)، آموزه‌های تربیتی نامه امام علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام)، قم: پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی.
۱۹. علی‌اکبری دهکردی، مهناز (۱۳۹۵)، روان‌شناسی رشد (نظریه‌ها، پژوهش و آزمون‌ها)، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه پیام نور.
۲۰. فرید، ابوالفضل و دیگران (۱۳۸۹)، «اثربخشی روش‌های آموزش مستقیم، آموزش شناختی اخلاق، شفاف‌سازی ارزش‌ها و تلفیقی بر قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان»، پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، شماره ۱۹.
۲۱. قمی، عباس (۱۴۱۶ق)، سفینه البحار، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۲۲. کدیور، پروین (۱۳۸۶)، روان‌شناسی تربیتی، چاپ یازدهم، تهران: سمت.
۲۳. کریم‌زاده، صادق (۱۳۸۹)، «سازوکارهای روان‌شناختی فرایند درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی»، روان‌شناسی و دین، شماره ۲.

۲۴. ای. برگ (۱۳۸۶)، *روان‌شناسی رشد*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، جلد ۲، چاپ هشتم، تهران: ارسباران.
۲۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۶. مرعشی، سید منصور و مسعود صفایی مقدم و پروین خزامی (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان به روش اجتماع پژوهشی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر اهواز»، *تفکر کودک*، شماره ۱.
۲۷. نریمانی، حمیدرضا و عارفه خوروش و حسین امامی (۱۳۹۲)، «ارزش‌ها و هنجارهای متعالی در سوره لقمان و روش‌های کاربردی کردن آنها در جامعه»، *معرفت*، شماره ۱۹۴.
28. Bavolek, S. (2003), Developing empathy in families, Retrived from www.nurturing/parenting.com.
29. Beshldeh, k., Hashemi, S., Charkhabi, M. (2011), "The relationship between personality traits and religious attitudes in talented students", *J Behav Sci.*, 5, (2), p.8-17.
30. Blasi, A. (2004), "Neither personality nor cognition: An alternative approach to the nature of the self", In C. Lightfoot, C. Lalonde, & M. Chandler (Eds.), *Changing conceptions of psychological life*, (p. 3-26). Mahwah, NJ: Erlbaum.
31. Detert, J. R., Trevino, L. K., & Sweitzer, V. L. (2008), "Moral disengagement in ethical decision making: a study of antecedents and outcomes", *Journal of Applied Psychology*, 93, p. 374-391.
32. Hart, D., Atkins, R., & Ford, D. (1998), "Urban America as a context for the development of moral identity in adolescence", *Journal of Social Issues*, 54, p.513-530.
33. Hart, D., & Atkins, R. (1999), "Family influence on the formation of moral identity in adolescence", *Journal of Moral education*, 28, (3), p.86-375.
34. Haynes, L. A., and Avery, A. W. (1979), "Training adolescents in self-disclosure and empathy skills", *Journal of Community Psychology*, 26, (6), p.526-530.
35. Hoffman, M. L. (2000), *Empathy and moral development: Implications for caring and justice*. Cambridge: Cambridge University Press.
36. Jolliffe, D., & Farrington, D. P. (2006), "Development and validation of the basic empathy scale", *Journal of Adolescence*, 29, (4), p.589-611.
37. Kuczynski, L., & Navara, G. S. (2014), "Sources of Innovation and Change in Socialization, Internalization and Acculturation", In M. R. Killen & J. R. Smetana (Eds.), *Handbook of Moral Development*, (2nd ed), (p. 299-331). New York: Psychological Press.
38. Lapsley, D. K. & Narvaez, D. (2006), "Character education, In W. Damon, R. Lerner, A. Renniger (Eds.)", *Handbook of Child Psychology: Vol. 4. Child psychology in practice*. (6th ed., p. 248-296). New York: Wiley.
39. Miller, J. G. (2014), "Insights into moral development from cultural psychology", In M. R. Killen & J. R.

- Smetana (Eds.), Handbook of moral development, (2nded), (p. 375–399). New York: Psychological Press.
40. Rieffe, C., Ketelear, L., & Wiefferink, CH. (2010), "Assessing empathy in young children: construction and validation of an empathy questionnaire (emque)", Personality and individual differences, 49, p. 362–67.
41. Strike, K. A. (2008), "School, Community and Moral Education. In L. P. Nucci, D. Narvaez (Ed.)", Handbook of Moral and Character Education, (p.117–134). New York: Routledge.
42. Turiel, E. (2014), "Thought, emotions, and social interactional processes in moral development", In M. R. Killen & J. R. Smetana (Eds.), Handbook of Moral Development, (2nded), (p. 7–36). New York: Psychological Press.

